

زبانحال الأاغ با غنی

الأاغم ونخورده ام به ناحق، مال کسی
نکرده ام نظری بد، به خط وخال کسی
غنی ای بشرخیلی ظالم، آدمی زاده
که قتل ها بود پیش تو، خیلی ها ساده
بخدمت وطنم بسکه سالها، بارکشیدم
زکار شاقهء هرروز، ازکمربخمیدم
بروزحشرکه باشد، داد گاه عدل الهی
به حتم فارغم، زآن روزسخت خدائی
مگر تورا ای بی خدای غاصب ارگ
عذاب نمایند ونداری، حامی چون برگ
تودر زمان جهاد، بودی نوکردشمن
نکردی خدمت میهن، لحظهء چون من
مرا چه باک زرفتن، بود از این دنیا
تو میروی به جهنم، چو خائن رسوا
ترا زابتدا سخت، عذاب کرده برند
من عاجزبی گناه، بی عذاب برند
نموده ای تو ارگ، جای خوب عیاشی
زآکل وشراب وهمه، کارهای فحاشی
بود ملت تو، محتاج لقمهء نان
نبوده ای بفکروطن، توای نادان

نموده ای خجالت، لوگرت هر جا
ز رایگان فروشِ کشورت، روبا
درد ورنج های وطن، ازدست تو
گشته افزون، بی خدای مغز کدو
زدستت میهن مان، گشته ویران
ندارند بی نوایان، آب و نی نان
عسکران بی گناه، قربان شوند
هرطرف از دست طالب، جان دهند
طالب و داعش بوند، کرزی و تو
هم محقق دانش و امثال او
عالمان وفاضلان کشورت
ترک میهن کرده اند، لعنت سرت
آه مظلومان کشور، کم مگیر
چونکه قلبت پاره سازدهمچوتیر
"حیدری" خواهد ببیند یکزمان
کلهء پوچ تو بردار، آویزان

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۳، ۶، ۲۰۲۱، سدنی